

# اصلاح البلاد

یوسف بیگ باباپور

علامه سیدعلی میبدی یزدی، اصلاح البلاد سیدصادق  
حسینی اشکوری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۸.

## اشاره

یکی از آثار علامه سیدعلی میبدی یزدی (متوفی ۱۳۱۷ هـ.ق) کتاب اصلاح البلاد است. از طبق آن چه مؤلف در مقدمه کتاب توضیح می‌دهد، پس از آن که هنگام اقامت وی در کرمانشاه گرفتاری‌های اهل دین و تقوا را ملاحظه نموده، به حدی که بعضی از اعمال ناشایسته از لوازم مردم گشته، سکوت را شایسته ندانسته و مطابق شرع نبوی و دستورات حضرت اهل بیت(ع) به جهت اصلاح مردم این کتاب را نگاشته است. بخش عمده مطالب این کتاب، راه کارهای علمی است که مؤلف به جهت اصلاح حال بلاد مسلمین ارائه نموده است؛ لذا مخاطب آن تمامی شیعیان می‌باشند، در عین حال از علما و اعیان و بزرگان درخواست می‌نماید که با مراعات اموری که در این کتاب گوشزد می‌نماید، جمع زیادی از زیر دستان را که نگاه به اعمال و رفتار آنان می‌نماید، اصلاح نماید. بررسی مطالب این کتاب، علاوه بر مضامین دینی و اخلاقی، از جهت نکات اجتماعی و تاریخی نیز حایز اهمیت است.

مردم عادی، بلکه در اجتماعات طلاب و مجالس علما و صاحبان منصب‌های سیاسی و اجتماعی نیز انجام می‌داد. وی در عین حال از قبوی هدایای صاحبان منصب سرباز می‌زد. شاید بهترین جلوه اصلاحات دینی را از این مرد بزرگ بتوان در این کتاب دید که مؤلف خلاصه‌ای از تجربیات و ماجراهای تاریخی و اجتماعی عصر خویش را در مقابله و مواجهه با منقصرهای اجتماعی و ضدّ اخلاقی - دینی بیان کرده است. از جمله اصلاحاتی که سید در آن موفق بوده، دفع بدعت‌ها و عقاید سخیفی است که بعضی از عوام الناس بدان معتقد بوده‌اند. عاداتی که منشأ معلومی ندارد و بعضی از آن‌ها با قالبی مقدّس و دینی در مقابل تعلیمات دینی

## معرفی مؤلف و اثر او

نسب علامه میبدی، با چهارده واسطه به امام چهارم، حضرت سجاد زین العابدین(ع) می‌رسد. خاندان میبدی از خانواده‌های علمی معروف در میبد و یزد و کرمانشاه و تهران و مشهد رضوی هستند.

چنان که از مفاد این کتاب بر می‌آید، علامه میبدی از اندیش‌مندان دینی است که امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه کارهای خود قرار داده بود، به طوری که در هر فرصتی از موعظه و ارشاد دریغ نمی‌کرد. این کار را نه تنها نسبت به



قد علم کرده‌اند.

اصلاح البلاد» (اصلاح البلاد، صص ۲۷ - ۲۸). کتاب پس از یک مقدمه اجمالی، در دو فصل مرتب شده است و هر فصل چندین عنوان فرعی دارد. شمه‌ای از عناوین آن بدین قرار است:

### فصل اول

گفتارهایی در نصیحت و موعظه و پند: (سفارشات مرحوم والد در باره زن گرفتن و تجارت، اعتراض بر قاضی در قرائت قرآن، قبیح شرب خمر، موعظه شراب‌خوار صحرائین، مساجدی که پادشاهان ساخته‌اند، شفا گرفتن نابینای کرمانشاهی از امام رضا(ع) و ...).

### فصل دوم

کردارهایی که اسباب اصلاح بلاد شد: (یاد دادن نماز، عبادات شب‌های قدر، بیان ابواب مختلف فقهی برای مردم، حکایت کدخدای محل، ساز و آواز به بهانه‌های مختلف، مادر مسلمان و دختر یهودی، شراب‌خواری که رحمت خدا می‌طلبد، مال مردم خوری، چله‌نشینی یهودی، بدعت‌های زنانه، روزه شاه پربان، حساسیت معاویه نسبت به اسم علی، لقب دادن بی‌جا، و ...)

میبیدی در «اصلاحات» در مقابل کسانی که در لباس دین و زهد و تقوا! حقوق فقرا را تصرف کرده و در خمس و زکات و غیره با عنوان‌هایی نظیر «مصالحه شرعی» تصرف می‌کنند، به‌شدت ایستاده، و از کسانی که در موقوفات تصرف می‌کنند، به غیر واقف عمل می‌کنند و نام متولی شرعی بر خود گذاشته‌اند، انتقاد می‌کند.

علامه میبیدی در کرمانشاه مرجعیت تام داشته، به‌طوری که بعضی از علما بر رساله عملیه او حاشیه زده‌اند، و این حاکی از توجه آنان به مبانی فقهی اوست. تنوع و دقت علامه در رسائل گوناگون که نگاشته، سبب شده تا بزرگان اهل فن و تحقیق، زبان به ثنای او بگشایند؛ از آن جمله علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، فاضل اردکانی، سیدحسن حسینی یزدی (اشرف الواعظین) و ...

علامه میبیدی، ذی‌فنون بوده و علاوه بر علوم حوزوی مانند فقه و اصول و کلام و تفسیر و حدیث، و علوم عقلی مانند فلسفه، اطلاعات گسترده‌ای در علوم مشابه داشت و از تنوع آثار وی که به ۶۷ عنوان کتاب و رساله می‌رسد، کاملاً مشهود و معلوم است.

وی در مقدمه کتاب *اصلاح البلاد*، در علت تصنیف آن چنین فرماید:

«چون قضای الهی چندی کشید ما را از عتبات عالیات بعد از طول مجاورت به بلده کرمانشاهان، و دیدیم که بسیاری اسباب گرفتاری از اهل دیانت و تقوا است، و لازمه وجود مردم شده، و اغلب اهل دیانت تن در داده‌اند به اعراض از آن‌ها، و هیچ‌کس در فکر اصلاح آن‌ها نیست، و در امتناع زوال مثل مسلمات و لوازم زندگی شده، با نهایت زشتی و ناشایستگی، و نظر کردم به فرمایشات خداوند -جل جلاله- به پیغمبران(ع) در مقابل راهنمایی و راست روی، و دیدم به قدر امکان معاذیر ظاهریه را نپذیرفته و در همه حال و همه نحو و همه جا قدر امکان امر به اصلاح فرموده ... دانستم که به هیچ وجه عذری و گریزی نیست از برای عقل مکلف از جمیع مراتب اقدام و اهتمام در اصلاح عادات ناپسندیده؛ لهذا به توفیق خدا و اعانت حضرت رسول و ائمه هدی(ع) کمر همّت بسته و آستین سعی بالا بسته و دامن کفایت برزده، در صدد این رساله برآمدم و او را نام زدم به «

